

احكام و تعاليم فردى - ايمان و عرفان و مقتضى ان

حضرت بهاء الله



ايمان و عرفان و مقتضى ان

حضرت بهاء الله:

- 1 - " إنَّ أوَّلَ ما كَتَبَ اللهُ على العبادِ عرفانَ مشرقِ وحيه ومطلعِ أمره الَّذي كانَ مقامَ نفسه في عالمِ الأمرِ واخلقَ من فازَ به قد فازَ بكلِّ الخيرِ والَّذي منعَ إنَّه من أهلِ الضلالِ ولو يأتِي بكلِّ الأعمالِ إذا فزتمَ بهذا المقامِ الأسنَى والأفقِ الأعلى يَنبغِي لكلِّ نفسٍ أن يَتَّبِعَ ما أمرَ به من لَدَى المقصودِ لأنَّهما معا لا يقبلُ أحدهما دونَ الآخرِ هذا ما حَكَمَ به مطلعُ الإلهامِ " (كتابِ اقدس - بند 1)
- 2 - " طوبى لمن أقرَّ باللهِ وآياته واعترفَ بأنَّه لا يسئَلُ عمَّا يفعلُ هذه كلمةٌ قد جعلها اللهُ طرازَ العقائدِ وأصلها وبها يقبلُ عملُ العالمينِ اجعلوا هذه الكلمةَ نصبَ عيونكم لئلا تزلَّكم إشاراتُ المعرضينِ لو يحلُّ ما حَرَّمَ في أزلِ الآزالِ أو بالعكسِ ليس لأحدٍ أن يعترضَ عليه والَّذي توقَّفَ في أقلِّ من أن إنَّه من المعتدينِ والَّذي ما فازَ بهذا الأصلِ الأسنَى والمقامِ الأعلى تحرَّكهُ أرياحُ الشبهاتِ وتقلِّبه مقالاتُ المشركينِ من فازَ بهذا الأصلِ قد فازَ بالاستقامةِ الكبرى حبَّذا هذا المقامِ الأبهى الَّذي بذكره زينٌ كلَّ لوحٍ منيعٍ كذلك يعلمكم اللهُ ما يخلصكم عن الرِّيبِ والخيرةِ وينجيكم في الدنيا والآخرةِ إنَّه هو الغفورُ الكريمُ " (كتابِ اقدس - بند 161-163)
- 3 - " أَصْلُ كُلِّ العُلُومِ هُوَ عِرْفَانُ اللهِ جَلَّ جَلالُهُ وَهَذَا لَنْ يُحَقِّقَ إِلَّا بِعِرْفَانِ مَظْهَرِ نَفْسِهِ " (لوحِ مبارکِ اصلِ كلِّ الخيرِ)
- 4 - " يا حزبِ اللهِ اليومَ باید انظارِ كلِّ بافقٍ يَفْعَلُ ما يَشَاءُ وحده متوجِّهٌ باشد چه اگر احدی باين مقامِ فائزِ گردد او بنورِ توحيدِ حقیقی فائز و منور و من دون آن در کتابِ الهی از اصحابِ ظنون و اوهام مذکور و مرقوم ... " (ص ۲۵۵ ج ۴ امر و خلق)



TABLET

5 - " شکی نبوده و نیست که مقصود از آفرینش معرفت حقّ جلّ جلاله بوده " (ص ۷۲ دریای دانش)

6 - " سبب اعظم آفرینش عرفان الله بوده ۰۰۰ " (ص ۱۹۳ ج ۵ آثار قلم اعلی)

7 - " تجلّی اوّل که از آفتاب حقیقت اشراق نمود معرفت حقّ جلّ جلاله بوده و معرفت سلطان قدم حاصل نشود مگر بمعرفت اسم اعظم اوست مکلم طور که بر عرش ظهور ساکن و مستوی است و اوست غیب مکنون و سرّ مخزون کُتب قبل و بعد الهی بذکرش مزین و بنمایش ناطق ... ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل بآنچه امر فرموده " (لوح مبارک تجلیات ص ۲۷ مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی)

8 - مقصود از آفرینش عرفان حقّ و لقای او بوده و خواهد بود چنانچه در جمیع کتب الهیه و صحف متقنه ربّانیّه من غیر حجاب این مطلب احلی و مقصد اعلی مذکور و واضح است " (ص ۱۳۹ دریای دانش)

9 - " دین نوریست مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیه الله ناس را بمعروف امر و از منکر نهی نماید اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز مانند "

(در اشراق اوّل از لوح مبارک اشراقات - ص ۷۳ مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی)

10 - " جمیع عالم برای عرفان جمال قدم از عدم بوجود آمده اند و باین یوم مبارک در کتب و زُبر و صحف وعده داده شده اند " (ص ۲۵۳ اشراقات)

11 - " جمیع عالم از برای عرفان این امر اعظم خلق شده اند ولکن جزای اعمال کل را منع نمود و محروم ساخت مگر نفوسیکه ید قدرت ایشان را اخذ نمود و از ظلمت نفس و هوی نجات بخشید اگر بجمیع اعضاء و جوارح و عروق و شعرات اِلَى الْیَوْمِ الَّذِي لَا آخِرَ لَهُ حَقّ جَلّ جلاله را ستایش نمائی و حمد کنی هر آینه نزد این فضل اعظم معدوم صرف است "

(ص ۱۱۳ ج ۵ آثار قلم اعلی)

12 - " امروز عرفان هر نفس باید بدرجه بلوغ فائز شود و خود را غنی و مستغنی از اهل عالم مشاهده نماید "

(ص ۱۹۶ مجموعه اشراقات)

1 - " بدانکه این اعمال و رفتار و گفتار ممدوحست و مقبول و شرفِ عالم انسانیست ولی مجرد این اعمال کفایت نماید زیرا جسدیست در نهایت لطافت ولی بیروح . بلکه سبب حیات ابدیه و عزّت سرمدیه و نورانیت کلیّه و فوز و فلاح حقیقی اوّل عرفان الهی است و این معلومست که معرفت حقّ مقدّم بر هر عرفانیست و این اعظم منقبت عالم انسانیست زیرا در وجود معرفت حقائق اشیاء فوائد جسمانی بخشد و مدنیت صوری ترقّی نماید اما عرفان الهی سبب ترقّی و انجذاب روحانی و بصیرت حقیقی و علویّت عالم انسانی و مدنیت ربّانی و تعدیل اخلاق و نورانیت وجدان گردد . "

(حضرت عبدالبهاء در اوّل قطعه آخر مفاوضات مبارکه)